

رسیدگی‌های موازی در دعاوی سرمایه‌گذاری خارجی و روش‌های مقابله با آن

شهاب جعفری ندوشن*

مجله حقوقی دادگستری / سال هفتاد و هفتم / شماره ۸۴ - زمستان ۱۳۹۲

چکیده

رسیدگی‌های موازی که می‌توان آن را به‌طور خلاصه طرح دعاوی مرتبط نزد مراجع گوناگون حل اختلاف تعریف کرد، در دعاوی سرمایه‌گذاری بیش از همه، معلول تعدد مراجع پیش‌بینی‌شده در معاهدات سرمایه‌گذاری و قراردادهای سرمایه‌گذاری است. علی‌رغم آثار مخرب رسیدگی‌های موازی، روش‌های مقابله با آن‌ها هنوز به تکامل لازم نرسیده و نیازمند توجه کامل اصحاب دعوا به توافقات لازم در جهت کاهش آثار مخرب آن، حتی‌المقدور پیش از بروز اختلاف است. دیوان‌های داوری هم اصول و روش‌هایی برای مقابله با رسیدگی‌های موازی دارند که بعضاً برای اثرگذاری بیشتر، نیازمند توجه یا درخواست اصحاب دعوا است. مقابله با رسیدگی‌های موازی در مقام اجرا با دشواری‌های زیادتری روبه‌روست و همین مسئله نشان‌دهنده اهمیت مقابله با آن، پیش از مرحله اجرا است.

کلید واژه :

رسیدگی موازی، داوری، سرمایه‌گذاری، معاهده، تعیین دادگاه صالح.

مقدمه

شیوع رسیدگی‌های موازی در روند حل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی، پدیده‌ای نسبتاً نوظهور است که در مجموع، آثار مخربی بر اعتبار نظام حل اختلاف و اجرای آرای ناشی از آن تحمیل می‌کند. عوامل متعددی احتمال حدوث رسیدگی‌های موازی را افزایش می‌دهند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کثرت معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری در عصر حاضر اشاره کرد. تاکنون معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری زیادی بین ایران و سایر کشورها منعقد شده است که هر کدام نظام حل اختلاف مختص به خود دارند^۱. بنابراین می‌توان توقع داشت که اگر سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران یا سرمایه‌گذاری ایرانیان در سایر کشورها به اختلاف بینجامد، با توجه به تعدد بالقوه مراجع حل اختلاف موجود، احتمال مواجه شدن با پدیده‌ای به نام رسیدگی‌های موازی بسیار زیاد است. بحث از رسیدگی‌های موازی در واقع بحث از تعامل مناسب اصحاب دعوا با مراجع حل اختلاف گوناگون داخلی و بین‌المللی است که خود را برای رسیدگی به دعوی واحد یا دعاوی مرتبط صالح می‌دانند. تعامل معقول و منطقی اصحاب دعوا با این مراجع و به عبارت دیگر، مدیریت هوشمندانه رسیدگی‌های موازی، در ماهیت رأی یا آرای صادره و نیز چگونگی اجرای رأی، تاثیر بسزایی دارد. در این نوشتار ابتدا به تعریف رسیدگی‌های موازی، علل به وجود آمدن آن و مشکلات ناشی از آن پرداخته می‌شود. پس از آن هم روش‌های مقابله با رسیدگی‌های موازی بررسی می‌شود. این روش‌ها عمدتاً در سه مقطع زمانی قابل اعمال است: پیش از بروز اختلاف، در حین رسیدگی به اختلاف و نهایتاً پس از صدور رأی و در مقام اجرا. سیر مباحث به گونه‌ای تنظیم شده که از مباحث نظری و زیربنایی به سمت مسایل کاربردی‌تر پیش می‌رویم. برای حفظ بُعد کاربردی مقاله، قسمت زیادی از این نوشتار به روش‌های مقابله با رسیدگی‌های موازی اختصاص داده شده است. توجه به این روش‌ها، تکنیک‌هایی را به اصحاب دعوا می‌آموزد که استفاده از آن‌ها قبل یا بعد از حدوث اختلاف باعث مدیریت بهینه رسیدگی‌های موازی و بیشتر شدن احتمال حصول نتیجه مطلوب برای استفاده‌کننده می‌شود.

^۱. این تعداد به نقل از سایت «سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران» تا پایان سال ۲۰۰۹ میلادی، ۵۸ معاهده است:

<http://www.investiniran.ir/en/investmentguide/treaties> Last visited on July ۱۷, ۲۰۱۳

۱. تعریف و مشخص کردن محدوده کاربرد اصطلاح رسیدگی های موازی

۱-۱. عوامل مؤثر در تعریف

بررسی کاربرد اصطلاح رسیدگی های موازی نشان می دهد که مباحث مطروحه تحت آن، گاهی ذیل همین عنوان - یعنی رسیدگی های موازی - و گاهی ذیل عناوین بسیار متعدد و متنوع دیگر، بحث می شوند؛ ذیل عناوینی چون:

- ۱- اعلام رضایت به داوری^۱.
 - ۲- ارتباط بین دادگاه های داخلی و دیوان های بین المللی^۲.
 - ۳- ادغام دعاوی^۳.
 - ۴- اعتبار دعاوی مختومه^۴ و ایراد دعاوی در جریان^۵.
 - ۵- مسائل مربوط به داوری هایی که چند طرف دارند یا به چند قرارداد مربوط اند^۶.
 - ۶- دادرسی های تکراری^۷ در حقوق بین الملل خصوصی .
 - ۷- قرار منع طرح دعا^۸.
 - ۸- صلاحیت و قابل پذیرش بودن دعا^۹.
- با بررسی مباحثی که ذیل عنوان «رسیدگی های موازی» در دعاوی سرمایه گذاری طرح می شوند^{۱۰} و نیز از دقت در مطالبی که ذیل عناوین دیگر در ارتباط با رسیدگی های موازی ارائه می شوند نکات زیر روشن می شود:

۱. Consent to Arbitration
۲. the Relationship Between International Tribunals and Domestic Courts
۳. Consolidation of claims
۴. *Res judicata*
۵. *Lis pendens*
۶. Multi-parti, Multi-contract Arbitrations
۷. Duplicative Litigations
۸. Anti-suit Injunction
۹. Jurisdiction and Admissibility

^{۱۰}. به عنوان مثال:

Campbell Mc Lachlan, Lauerce Shore, & Matthew Weiniger, *International Investment Arbitration: Substantive Principles*, Oxford University Press, Oxford, ۲۰۰۸, pp. ۷۹-۱۳۰ ; Katia Yannaca-Small, "Parallel Proceedings", in: Peter Muchliniski, Federico Ortino, & Christoph Schreuer, *The Oxford Handbook of International Investment Law*, Oxford University Press, Oxford, ۲۰۰۸, pp. ۱۰۰۸-۱۰۴۸.

۱- مراجعی که در معاهده سرمایه‌گذاری^۱ مورد توافق دول متعاقد قرار گرفته‌اند (غالباً داوری) یا آن‌هایی که در قرارداد سرمایه‌گذاری^۲ بین دولت و سرمایه‌گذار خارجی تعیین

^۱. اتکا بر قوانین کشور سرمایه‌پذیر به‌تنهایی ممکن است سرمایه‌گذاران را با ریسک‌های گوناگون مواجه کند: به‌عنوان مثال کشور سرمایه‌پذیر می‌تواند به‌راحتی قوانین خود را تغییر دهد یا متصدیان اعمال قانون و مراجع قضایی در کشور سرمایه‌پذیر ممکن است در اعمال قانون نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی، بی‌طرفانه برخورد ننمایند. حقوق بین‌الملل عرفی در حل این مشکلات ناتوان بوده است چرا که اولاً قواعد مورد انقادی در این زمینه وجود نداشت و از طرفی حقوق بین‌الملل عرفی فاقد یک سازوکار مناسب برای حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی بود. معاهدات سرمایه‌گذاری که غالباً به‌صورت دوجانبه بین کشورها منعقد می‌شوند پاسخی هستند برای حل این مشکلات به‌گونه‌ای که در اثر حمایت‌های موجود در آن، هم سرمایه‌گذار خارجی احساس امنیت بیشتر کند و هم در اثر این آرامش خاطر، کشورهای کمتر توسعه‌یافته از توان مالی و فناوری کشورهای توسعه‌یافته بیشتر استفاده کنند. این معاهدات، حقوق ماهوی خاصی برای حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی پیش‌بینی می‌کنند و سازوکاری نیز برای طرح دعوی مستقیم سرمایه‌گذار خارجی علیه دولت سرمایه‌پذیر در صورت نقض این حقوق در نظر می‌گیرند که در بسیاری از موارد، امکان مراجعه مستقیم سرمایه‌گذار به داوری سازمانی یا موردی پیش‌بینی شده در معاهده است. به این مراجع که برای حل اختلاف در معاهده پیش‌بینی شده‌اند - و معمولاً متعددند - مراجع حل اختلاف معاهده‌ای می‌گویند. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Jeswald W. Solacuse, "BIT by BIT", *International Lawyer* (ABA), Volume ۲۴, Issue ۳, ۱۹۹۰, pp. ۶۵۵-۶۷۵.

^۲. قرارداد سرمایه‌گذاری بین بازیگران اصلی سرمایه‌گذاری خارجی یعنی دولت سرمایه‌پذیر و شخص حقوق خصوصی خارجی (حقیقی یا حقوقی) منعقد می‌شود. اجزا و ارکان این قراردادها از بسیاری جهات مشابه قراردادهای تجاری یا ساخت عادی است. با این تعریف، قرارداد سرمایه‌گذاری، یک قرارداد دولتی است. تعریف زیر از قراردادهای دولتی مفید است:

«قرارداد دولتی، قراردادی است که بین دولت یا یک نهاد دولتی - که برای مقصود حاضر بدین صورت تعریف می‌شود: هر مؤسسه‌ای که به‌وسیله قانون در دولت تشکیل می‌شود و کنترلی بر یک فعالیت اقتصادی به آن اعطا می‌شود - و تبعه خارجی یا شخص حقوقی دارای تابعیت خارجی بسته می‌شود». ن.ک:

United Nations Conference on Trade and Development, *State Contracts*, UNCTAD Series on Issues in International Investment Agreements, United Nations Publication, New York and Geneva, ۲۰۰۴, p. ۳.

تعریف، ویژگی‌ها و احکام قرارداد سرمایه‌گذاری در این مقاله مورد بحث قرار نخواهد گرفت. جهت مطالعه، ن.ک:

A.F.M. Maniruzzaman, "The Relevance of Public International Law in Arbitrations Concerning International Economic Development Agreements An Appraisal of Some Fundamental Aspects", *The Journal of World Investment & Trade* Volume ۶, Issue ۲, ۲۰۰۵, pp. ۲۶۳-۲۹۶.

شده‌اند(عموماً مراجع قضایی داخلی کشور سرمایه‌پذیر) ممکن است برای رسیدگی به دعاوی سرمایه‌گذاری بین دولت و سرمایه‌گذار خارجی، ادعای صلاحیت کنند یا واقعاً صالح باشند. در این میان نباید ادعای صلاحیت غیرتوافقی مراجع قضایی داخلی کشور سرمایه‌پذیر را نیز نادیده گرفت.^۱ با این ترتیب، ممکن است حالات گوناگونی از رسیدگی‌های هم‌زمان یا متداخل بین این مراجع مطرح شود، اما در عمل با لحاظ عامل بین‌المللی غالباً یکی از دو حالت زیر اتفاق می‌افتد:

۱) رسیدگی موازی بین یک دیوان داوری (بین‌المللی) و یک دادگاه داخلی.

۲) رسیدگی موازی بین دو دیوان داوری (بین‌المللی).^۲

۲- صرف‌نظر از ملاک‌هایی که برای این‌همانی دعاوی بیان شده، به‌روشنی قابل مشاهده است که ذیل رسیدگی‌های موازی، گهگاه سخن از دعاوی یکسان است. مثلاً هنگامی که «ایراد دعاوی در جریان» تحت عنوان رسیدگی‌های موازی مطرح می‌شود^۳ و بعضاً نیز سخن از دعاوی مرتبط- و نه لزوماً یکسان- می‌شود مانند زمانی که بحث ادغام دعاوی را به‌عنوان یکی از مباحث رسیدگی‌های موازی مطرح می‌کنند.^۴

۳- آیا زمانی که سخن از رسیدگی‌های موازی است لزوماً سخن از دعاوی‌ای است که اطراف یکسان دارند؟ به عبارت دیگر، آیا احتمال به‌وجودآمدن رسیدگی‌های موازی بین دو یا چند دعوا که اطراف مشابه ندارند نیز هست؟ کاربرد اصطلاح در منابع نشان می‌دهد که در مواردی، یکسانی اطراف دعوا باید وجود داشته باشد - باز هم همانند طرح بحث‌های مربوط به اعتبار دعاوی مختومه یا «ایراد دعاوی در جریان» در رسیدگی‌های موازی.^۵ در موارد دیگری، ذیل رسیدگی‌های موازی، سخن از دعاوی‌ای است که به‌روشنی، طرفین یکسانی ندارند، همانند زمانی که ادغام دعاوی ذیل عنوان رسیدگی‌های موازی طرح می‌شود. مهم‌ترین دعاوی در این گروه - یعنی زمانی که

^۱ این صلاحیت می‌تواند مبانی مختلفی داشته باشد از جمله اینکه معمولاً در مقایسه بین کشورهایی که مرتبط با یک سرمایه‌گذاری خارجی هستند، بیشترین ارتباط بین دعاوی سرمایه‌گذاری و کشور سرمایه‌پذیر وجود دارد:

August Reinsch & Loretta Malintoppi, "Methods of Dispute Resolution", in: Peter Muchliniski *et al*, op. cit, p.۶۹۶.

^۲ International Law Association Final Report on "Lis pendens and Arbitration" para ۱.۷, Available at <<http://www.ila-hq.org/en/committees/index.cfm/cid/۱۹>.

^۳ Ibid, Para. ۱.

^۴ Yannaca-Small, op.cit, p.۱۰۳۲.

^۵ ILA Final Report on "lis pendens and Arbitration", Para. ۱.

رسیدگی‌های موازی بین دعاوی مطرح می‌شود که طرفین یکسانی ندارند- دعاوی‌ای هستند که به علت تعریف موسع سرمایه و سرمایه‌گذار در معاهدات، تحت چند معاهده گوناگون سرمایه‌گذاری و عموماً با محوریت اقدام واحد دولت و بین طرفین گوناگون طرح می‌شوند و غالباً ذیل عنوان رسیدگی‌های موازی بررسی می‌شوند.^۱

۴- اگرچه به نظر می‌رسد اطلاق عنوان رسیدگی‌های موازی در منابع، بر دعاوی که به‌طور هم‌زمان در حال جریان هستند رواج بیشتری دارد، اما استفاده از این عنوان برای دعاوی که نه به‌صورت هم‌زمان و بلکه به دنبال هم رسیدگی یا بازبینی می‌شوند نیز دیده می‌شود. نمونه روشن آن، بررسی اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در حقوق بین‌الملل خصوصی تحت عنوان رسیدگی‌های موازی^۲ و نیز طرح «اعتبار امر مختومه»، ذیل بحث‌های مربوط به رسیدگی‌های موازی در منابع است.^۳

۱-۲. ارائه تعریف

از اولین معانی «رسیدگی‌های موازی»، رسیدگی هم‌زمان کیفری و مدنی برای مسئله واحد بوده است.^۴ این معنی در این نوشتار مورد نظر نیست. نظر به متغیرهای گوناگون و حالات متفاوت در کاربرد اصطلاح رسیدگی‌های موازی که بیان شد، ارائه تعریفی از

^۱. از این بحث به‌عنوان داوری موازی معاهده‌ای (Parallel Treaty Arbitration) نیز یاد می‌شود که مثال روشن آن، رسیدگی‌های موازی در پرونده‌های *Lauder/CME/Czech Republic* است: ادعای صادره سرمایه‌گذاری آقای لادر در یک شبکه تلویزیونی در جمهوری چک، در چند رسیدگی قضایی و داوری بررسی شد. دو رسیدگی موازی داوری- هر کدام بر مبنای یک معاهده دو جانبه سرمایه‌گذاری متفاوت - به صدور آرای متناقض انجامیدند. در یکی از این دعاوی آقای لادر خواهان بود و در دیگری شرکت تجاری او. هر دو دعوا برای رسیدگی به ادعای مصادره علیه جمهوری چک طرح شد:

Lauder v. Czech Republic, UNCITRAL, Final Award on ۳ September ۲۰۰۱

CME Czech Republic B.V. v. Czech Republic, UNCITRAL, Final Award on ۱۴ March, ۲۰۰۳

جهت مطالعه بیشتر، ن.ک:

Mclachlan et al, op. cit, pp. ۱۱۷-۱۲۵; ILA Final Report on lis pendens and arbitration, Paras ۳.۱۵-۳.۱۸

^۲. Louise Ellen Teitz, "Both Sides of The Coin: A Decade of Parallel Proceedings and Enforcement of Foreign Judgments in Transnational Litigation", *Roger Williams University Law Review*, volume ۱۰, Issue ۱, ۲۰۰۴, pp ۱-۷۱.

^۳. *Mclachlan, et al, op.cit, pp.۸۴-۸۷.*

^۴. Marvin G.Pickholz, "The Expanding World of Parallel Proceedings", *Temple Law Quarterly*, volume ۵۳, Issue ۴, ۱۹۸۰, p. ۱۱۰۰.

رسیدگی های موازی دشوار می نماید و شاید به همین علت است که نویسندگان حقوقی، تمایل کمتری بر تعریف کامل و جامع و مانعی از رسیدگی های موازی که منطبق با تمام کاربردهای آن باشد از خود نشان می دهند و بدون ذکر تعریف خاصی معمولاً به مباحث موجود در رسیدگی های موازی می پردازند. اما یکی از نویسندگان، تعریف زیر را ارائه نموده که منطبق با نکات پیش گفته است:

«رسیدگی های موازی، وضعیت هایی هستند که در آن ها اختلافاتی که به نوعی به هم مرتبطند یا شباهت هایی با هم دارند نزد مراجع گوناگون طرح می شوند»^۱.

تعریف فوق، نافه جواز کاربردهای مضیق تر از اصطلاح «رسیدگی های موازی» نیست. مثلاً در برخی از کاربردها، رسیدگی های موازی تنها محدود به رسیدگی هم زمان دو دیوان دآوری سرمایه گذاری ذیل دو یا یک معاهده شده است.^۲ در این نوشتار منظور از رسیدگی های موازی، این نوع کاربردهای محدود نیست.

از آنچه گفته شد روشن می شود که بحث رسیدگی های موازی با بحث اختلاف و تعارض صلاحیت ها لزوماً همپوشانی ندارد. به طور مثال، «ایراد دعوی در جریان» و «اعتبار امر مختومه» بعد از اینکه مرجع رسیدگی کننده، صلاحیت خود را احراز نمود مطرح می شود. در این حالت، ممکن است هر دو یا چند مرجع در واقع صلاحیت داشته باشند و روش های عادی تعارض صلاحیت و پیدا کردن اینکه کدام یک واقعاً در معنای سنتی و کلاسیک صلاحیت دارند مشکلی را حل نمی کند.

۲. علل و عوامل به وجود آمدن رسیدگی های موازی

غالباً چند مرجع حل اختلاف همانند دآوری بین المللی یا مراجع قضایی داخلی در معاهدات سرمایه گذاری برای انتخاب طرفین پیش بینی می شوند.^۳ معمولاً این مراجع حل اختلاف، تمایل به توسعه صلاحیت خود دارند و به انحاء گوناگون، سعی در احراز صلاحیت خود می کنند و از طرف دیگر، طرفین دعوا نیز به امید دستیابی به پیروزی،

^۱. Gilles Cuniberti, "Parallel Litigation and Foreign Investment Dispute Settlement", *ICSID Review*, Volume ۲۱, Issue ۲, ۲۰۰۶, p. ۳۸۱:

"Parallel proceedings are situations in which disputes that are linked in some way or which have some similarities are brought before different adjudicators."

^۲. Susan D. Frank, "The Legitimacy Crisis in Investment Treaty Arbitration: Privatizing Public International Law through Inconsistent Decisions", *Fordham Law Review*, Volume ۷۳, Issue ۴, ۲۰۰۵, pp. ۱۵۴۵-۱۵۴۶.

^۳. Rudolf Dolzer & Christoph Schreuer, *Principles of International Investment Law*, Oxford University Press, Oxford, ۲۰۰۸, p. ۱۲۹.

سعی در طرح دعوا در مراجع گوناگون دارند. در دعاوی سرمایه‌گذاری بین سرمایه‌گذار خارجی و دولت سرمایه‌پذیر، مراجع داخلی کشور سرمایه‌پذیر، معمولاً مورد توجه دولت، و مراجع بین‌المللی مورد توجه طرف خارجی است.^۱ به نظر می‌رسد که این تعدد مراجع به همراه تعارض منافع طرفین درگیر در مراجعه به این مراجع، مهم‌ترین علت به وجود آمدن رسیدگی‌های موازی است.

در قسمت حل اختلاف برخی از معاهدات سرمایه‌گذاری مقرر می‌شود که تمام دعاوی ناظر به سرمایه‌گذاری به نظام حل اختلاف معاهده‌ای که عمدتاً داوری است ارجاع شوند.^۲ به علت اطلاق عبارت فوق‌الذکر که تمامی دعاوی سرمایه‌گذاری را شامل می‌شود و نه فقط دعاوی نقض معاهده را، برخی از دیوان‌های داوری پیش‌بینی‌شده در معاهده (دیوان داوری معاهده‌ای) خود را برای رسیدگی به دعاوی نقض قرارداد سرمایه‌گذاری هم صالح می‌دانند و بدین گونه صلاحیت خود را توسعه می‌دهند.^۳ از آنجا که قرارداد سرمایه‌گذاری هم معمولاً نظام حل اختلاف مختص خود دارد، این توسعه صلاحیت، مشکل تعدد مراجع را بیشتر می‌کند.

از آنجا که معاهدات سرمایه‌گذاری عمدتاً دوجانبه هستند، هر دیوان داوری معاهده‌ای بنا بر معاهده دوجانبه مستقلی تشکیل می‌شود و تنها مسئول رسیدگی به دعوایی است که ریشه در همان معاهده دوجانبه دارد. حتی زمانی که دیوان‌های داوری در نظام ایکسید^۴

^۱. Jamie Shookman, "Too many Forums for Investment Disputes? ICSID Illustration of Parallel Proceedings and Analysis", *Journal of International Arbitration*, volume ۲۷, Issue ۴, ۲۰۱۰, p. ۳۶۳.

^۲. "All Disputes Concerning Investment or any Legal Dispute Concerning an Investment."

Art ۸ of Italy-Morocco BIT; Art ۹ of Switzerland-Pakistan BIT .

^۳. *Compania de Aguas del Aconquija S.A. and Vivendi Universal v. Argentine Republic*, (ICSID Case No. ARB/۹۷/۳), Decision on Annulment ۳ July ۲۰۰۲, Para ۵۵; *Salini Construttori S.P.A and Italstrade S.P.A. v. Kingdom of Morocco*, (ICSID case No. ARB/۰۰/۴), Decision on Jurisdiction, July ۲۳, ۲۰۰۱., Paras ۵۹-۶۲; *SGS Société Générale de Surveillance S.A. v. Republic of the Philippines*, (ICSID Case No. ARB/۰۲/۶) Decision on Jurisdiction, ۲۹ January ۲۰۰۴, Para ۱۳۱-۱۳۵.

^۴. بانک جهانی (World Bank) که نام واقعی آن بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (The International Bank for Reconstruction and Development) است، شکل‌گیری «معاهده حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع دولت‌های دیگر» (عهدنامه واشنگتن یا عهدنامه ایکسید) را که معاهده مبنای تشکیل «مرکز بین‌المللی برای حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری» است

تشکیل می‌شوند هر کدام هویت جداگانه‌ای دارند.^۱ با این حساب ممکن است دعوای واحد بنا بر معاهدات گوناگون در مراجع معاهده‌ای متفاوت رسیدگی شود.

۳. مشکلات ناشی از رسیدگی‌های موازی در دعاوی سرمایه‌گذاری خارجی

رسیدگی‌های موازی در دعاوی سرمایه‌گذاری خارجی، دو مشکل عمده ایجاد می‌کند:
۱- به‌هدررفتن منابع مالی طرفین دعوا و تحمیل هزینه‌های اضافی بر ایشان و نظام حل اختلاف.

۲- از بین رفتن وجهه و اعتبار داوری به علت احتمال صدور آرای متفاوت و متناقض و نگرانی‌هایی که در رابطه با اجرای آرای متناقض به وجود می‌آید.^۲

در حالی که مشکل اول، نیاز به توضیح خاصی ندارد، مورد دوم باعث به‌وجود آمدن بحث‌های نظری فراوان میان صاحب‌نظران شده است. سرعت در رسیدگی‌های داوری همواره به‌عنوان یکی از مزایای استفاده از داوری در برابر رسیدگی‌های قضایی عنوان می‌شود. بخشی از این سرعت به علت یک‌مرحله‌ای بودن نظام رسیدگی در داوری است، در حالی که نظام رسیدگی قضایی معمولاً حداقل دو مرحله‌ای است. صدور آرای متناقض در داوری‌های موازی سرمایه‌گذاری، این بحث را مطرح کرده است که آیا آنچه به‌طور سنتی در داوری به‌عنوان برتری «نهایی و قطعی بودن رأی» بر «دقت در صدور رأی» شناخته می‌شده، هنوز مطلوب است یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا وجود نظام تجدیدنظر ماهوی در آرای صادره از داوری‌های سرمایه‌گذاری خصوصاً داوری ایکسید برای جلوگیری

مورد حمایت قرار داد. در مارس ۱۹۶۵، هیئت اجرایی متن معاهده را تأیید کرد. برای مجری شدن عهدنامه، حداقل ۲۰ کشور می‌بایست آن را تصویب می‌کردند که در مدت کوتاهی این تعداد کشور آن را تصویب نمودند و در ۱۴ اکتبر ۱۹۶۶ معاهده لازم‌الاجرا شد. ایکسید، خود سازمانی خودمختار و مستقل است که داوری در داخل آن واقع می‌شود. بنابراین برخلاف روال موجود در داوری تجاری بین‌المللی، قانون مقر داوری در داوری‌های ایکسید اهمیت چندانی ندارد و سازوکار اجرایی آن نیز متفاوت است. آیین داوری مرکز، هم‌اکنون تابع قوانین داوری تصویب‌شده در سال ۲۰۰۶ است. جهت ملاحظه تاریخچه مختصری از معاهده و مرکز حل‌وفصل اختلافات و ویژگی‌های آن، ن. ک:

Lucy Reed, Jan Paulson & Nigel Blakaby, *Guide to ICSID Arbitration*, Kluwer Law International, Hague, ۲۰۰۶, pp. ۱-۲۲.

نیکبخت، حمیدرضا، داوری تجاری بین‌المللی (آیین داوری)، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ دوم، ۱۳۹۰، صص. ۷۴-۷۲.

^۱. McLachlan *et al*, *op.cit*, p ۸۷.

^۲. Shookman, *op.cit*, ۳۶۲-۳۶۳.

از صدور آرای متناقض ضرورت دارد یا خیر؟^۱ سؤال دیگر این است که آیا مطلوب است که با نظارت قضایی جدی‌تر^۲ بر رأی داور یا روند داوری، مشکل را حل کنیم؟ یک نظریه این است که قطعی و غیر قابل تجدیدنظر بودن رأی داوری، رکن رکین داوری است و رویه جهانی نیز به سوی بیشتر اهمیت دادن به این رکن پیش می‌رود.^۳ دلایلی که باعث می‌شود طرفین در یک اختلاف بازرگانی یا سرمایه‌گذاری به جای مراجعه به دادگاه‌ها به مراجع داوری مراجعه کنند (همانند زمان کوتاه‌تر رسیدگی یا دور بودن از نظام ناکارآمد دادگاه‌های داخلی) باعث می‌شود که انتظارات از داوری تجاری بین‌المللی زمانی برآورده شود که نظارت خارجی بر رأی داور و عدم پذیرش و ابطال رأی داور از سوی دادگاه‌های کشورها به حداقل برسد و قطعی بودن رأی داور که خواسته اصلی طرفین است تأمین شود^۴ و فقط در مورد نقض آشکار اصول اساسی رسیدگی، عدم اجرا یا ابطال آن مجاز باشد.^۵ اهمیت قطعی بودن رأی داور به اندازه‌ای است که حتی اگر طرفین موافقت‌نامه داوری بخواهند با توافق یکدیگر، حیثه نظارت قضایی را افزایش دهند، امکان یا عملی بودن چنین توافقی با تردیدهایی همراه است.^۶

در نظام داوری ایکسید، تنها در دو مورد، نهایی بودن رأی داور به چالش کشیده شده است:

۱- نظام داخلی ابطال رأی در ایکسید که در داخل خود معاهده پیش‌بینی شده است و در موارد محدودی ممکن است به ابطال رأی بینجامد.^۷

^۱. Jason Clapham, Finality of Investor- State Arbitral Awards: Has the Tide Turned and is there a Need to Reform, *Journal of International Arbitration*, Volume ۲۶, Issue ۳, ۲۰۰۹, pp. ۴۳۷-۴۶۶.

^۲. نوع مداخله دادگاه‌ها در امر داوری به‌طور معمول می‌تواند حمایتی یا نظارتی باشد. در اینجا نوع دوم مدنظر است. جهت مطالعه بیشتر در این تفکیک، ن.ک: نیکبخت، حمیدرضا، داوری تجاری بین‌المللی (آیین داوری)، پیشین، صص. ۲۱۴-۲۱۲.

^۳. Alexis Mourre & Lucag Radicati Di Brozolo, "Towards Finality of Arbitral Awards: Two Steps Forward and one Step Back", *Journal of International Arbitration*, Volume ۳۲, Issue ۲, ۲۰۰۶, pp. ۱۷۱-۱۸۸.

^۴. Ibid, p. ۱۷۱.

^۵. Ibid, pp. ۱۸۷-۱۸۸.

^۶. Margret Moses, "Party Agreement to Expand Judicial Review of Arbitral Awards", *Journal of International Arbitration*, Volume ۲۰, Issue ۳, ۲۰۰۳, pp. ۳۱۵-۳۲۳.

^۷. Article ۵۲ of the ICSID Convention

۲- مصونیت دولت از اجرای رأی^۱.

حتی با وجود این دو مورد می توان گفت اهمیت نهایی و قطعی بودن رأی داور در نظام ایکسید، روشن است و به همین علت، نظام تجدیدنظر ماهوی در خود معاهده پیش بینی نشده و دولت ها نیز نمی توانند از شناسایی رأی، سرباز زنند. ماده ۵۵ نیز تنها ناظر به اجرا است و شامل مصونیت از صلاحیت و نیز شناسایی نمی شود.^۲ به این ترتیب از نظر صاحب نظرانی که قطعی بودن رأی داور را پاس دار ارزش های داوری می دانند تغییر در نظام موجود، توجیهی ندارد.^۳

نظریه مقابل، دقت در رأی را بر قطعی بودن آن ترجیح می دهد. طرفداران این نظریه، مرور ماهوی و مجدد رأی (همانند تجدیدنظر موجود در اکثر نظام های قضایی) توسط خود نظام داوری یا نظام قضایی را ضروری می دانند. می توان گفت طرفداران این دیدگاه در اقلیت قرار دارند.^۴

به نظر می رسد صدور آرای متناقض در نظام داوری سرمایه گذاری بیش از اینکه معلول اهمیت دادن به سرعت رسیدگی - در مقابل دقت در صدور رأی - باشد، به علت وجود مراجع گوناگونی است که هر چند خود را صالح می دانند اما داخل یک چهارچوب و نظام منسجم و واحد (مثلاً تحت یک معاهده چندجانبه جهان شمول) عمل نمی کنند. حتی اگر نظام سخت گیرانه ای برای نظارت ماهوی برای دعاوی سرمایه گذاری داشته باشیم، تا زمانی که این نظام نظارتی، واحد و جهان شمول نباشد، مشکل چندانی حل نخواهد شد، چرا که آرای متناقض، معلول اختلاف نظرهایی است که در مرحله تجدیدنظرهای ماهوی نیز بروز می کند.

۴. روش های مقابله با رسیدگی های موازی

این نظارت از طریق یک کمیته سه نفره از داوران انجام می شود که در هر موردی توسط ریاست ایکسید انتخاب می شود و کمیته موردی (Ad hoc) نام دارد. همان طور که بیان خواهد شد به نظر می رسد این نوع بازنگری در آراء، با تجدیدنظر متفاوت است.

^۱. Sovereign Immunity from Award Enforcement, Article ۵۵ of ICSID Convention.

^۲. David R. Sedlak, "ICSID'S Resurgence in International Investment Arbitration: Can the Momentum hold", Penn State International Law Review, Volume ۲۳, Issue ۱, ۲۰۰۴, pp. ۱۶۵-۱۷۰.

^۳. Ibid, pp. ۱۶۱-۱۷۰.

^۴. Sarosh Zaiwalla, "Challenging Arbitral Awards: Finality is Good but Justice is Better", Journal of International Arbitration, Volume ۲۰, Issue ۲, ۲۰۰۳, pp. ۱۹۹-۲۰۴.

روش‌هایی برای مقابله با رسیدگی‌های موازی در سطح ملی و در قانونگذاری داخلی کشورها وجود دارد که پاسخی به مشکل رسیدگی‌های موازی بین دادگاه‌های ملی است.^۱ نظام حقوقی ملی با ماهیت امری و متمرکز و با وجود سلسله‌مراتب در میان مراجع رسیدگی، در زمینه مقابله با رسیدگی‌های موازی کم‌وبیش موفق عمل می‌کند.^۲ با توجه به ماهیت بین‌المللی رسیدگی‌های موازی، در نوشتار حاضر به بررسی روش‌های ملی در مقابله با رسیدگی‌های موازی نمی‌پردازیم.

۴-۱. تدابیر معاهده‌ای

در معنای عام و کلی، هر عبارتی که در معاهدات سرمایه‌گذاری به دیوان‌های داوری سرمایه‌گذاری اعطای صلاحیت می‌کند و خصوصاً هر مقرره‌ای که از دیوان‌های داوری سلب صلاحیت می‌کند، تدابیری در جهت جلوگیری از هم‌پوشانی و اختلاط صلاحیت‌ها یا رسیدگی‌های موازی است. از آنجاکه این مقرره‌ها عموماً در داخل معاهدات سرمایه‌گذاری پیش‌بینی می‌شوند، به آن‌ها «قواعد داخلی»^۳ برای جلوگیری از صدور آرای متناقض نیز اطلاق می‌شود.^۴ این روش‌ها عمدتاً عبارت‌اند از:

- ۱- روش چندراهی.^۵
 - ۲- استفاده از روش اسقاط حق طرح دعوا.^۶
 - ۳- گروهی شرط التزام^۷ را نیز در زمره این روش‌ها آورده‌اند.^۸
- تبیین این روش‌ها و کارکرد آن‌ها در رویه داوری بین‌المللی، نیازمند بحثی مفصل و گسترده است که مجال دیگری می‌طلبد و موضوع این نوشتار نیست.

۱. به‌عنوان مثال، ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ایران، مصوب ۱۳۷۹ یا بند ۲ و ۶ ماده ۸۴ همان قانون.

۲. به‌عنوان نمونه ماده ۳۰ از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر می‌دارد که در صورت اختلاف نظر مراجع قضایی در صلاحیت حسب مورد نظر مرجع عالی لازم‌الاتباع است. موادی از این دست، به‌وجود آمدن رسیدگی‌های موازی در دعاوی صرفاً داخلی را محدود می‌کند.

۳. Internal Rules

۴. Mc Lachlan, Campbell et al, op.cit, p. ۸۹-۹۱.

۵. Fork in The road

۶. Waiver

۷. Umbrella Clause

۸. Shookman, op.cit, p. ۳۶۶.

۴-۲ تدابیر نظام‌های داوری برای جلوگیری از صدور آراء متناقض

الف. صلاحیت دیوان داوری برای تعیین صلاحیت خود^۱

دیوان داوری برای تعیین صلاحیت خود صلاحیت دارد^۲ و در صورت وجود قرارداد داوری معتبر، صلاحیت دیوان داوری باعث عدم صلاحیت دادگاه‌ها در رسیدگی به دعوای مورد نظر خواهد شد.^۳

ب. اعتبار امر مختومه و تدابیر ضمن دادرسی هم‌زمان

این دو اصل که از مهم‌ترین اصول آیین دادرسی هستند علاوه بر اینکه توسط نظام‌های قضایی مورد استفاده قرار می‌گیرند، مورد استفاده نظام‌های داوری نیز هستند. تدابیر ضمن دادرسی‌های هم‌زمان به معنی وضعیتی است که در آن رسیدگی‌های موازی بین اطراف واحد و با سبب دعوای واحد در دو حوزه قضایی گوناگون در زمان واحد دنبال می‌شوند.^۴

تعریف اعتبار امر مختومه در حقوق داخلی کشورها متفاوت است و حتی انجمن حقوق بین‌الملل^۵ در تعریف این مفهوم به علت بار خاص معنایی عبارت «اعتبار امر مختومه» از این لفظ استفاده ننموده و به جای آن از اثر جامع و مانع رأی یا به عبارت دیگر، اثر مثبت یا منفی رأی نام برده است. اثر جامع یا مثبت رأی سابق ممکن است در رسیدگی‌های بعدی به کار گرفته شود؛ بدین صورت که یک طرف دعوا در دعوای جدید بر یافته‌های مرجع حل اختلاف پیشین در دعوای مختومه قبلی برای پیشبرد دعوای فعلی تکیه کند.

^۱. Competence-Competence Doctrine

^۲. در داوری تجاری بین المللی ایران نیز این اصل صریحاً پذیرفته شده است. ن.ک: به بند ۱ از ماده ۱۶ قانون داوری تجاری بین المللی ایران، مصوب ۱۳۷۶.

^۳. ILA Final Report on *lis pendens* and Arbitration, Para ۱.۹; Shookman, op.cit, p. ۳۶۴;

Article II of the United Nations Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (۱۹۵۸) or New York Convention; Article ۸(۱) of the UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration, ۱۹۸۵.

و نیز ن.ک: ماده ۸ قانون داوری تجاری بین المللی ایران.

^۴. James J.Fawcett, General Report, in: Oxford Monographs in Private International Law, Declining Jurisdiction in Private International Law, Oxford University Press, Oxford, ۱۹۹۵, p. ۲۷.

^۵. International Law Association

اثر مانع یا اثر منفی رأی، دفاعی است که از سوی یک طرف دعوا برای پایان دادن به طرح مجدد دعوایی که در ارتباط با همان موضوع سابق که مورد رسیدگی قرار گرفته است مطرح می شود.^۱

بعضی از نویسندگان این دو اصل را به عنوان اصول خارجی (در مقابل اصول داخلی اعطای صلاحیت و یا سالب صلاحیت که بیان شد) نام گذاری می کنند که کاربرد آن ها به عنوان اصول کلی حقوقی بین الملل توسط مراجع رسیدگی در جلوگیری از صدور آرای متناقض تأثیر به سزایی دارند.^۲

ج. قرار یا دستور منع طرح دعوا

در حالی که ظاهراً در این مسئله که دیوان داوری برای تعیین صلاحیت خود، صلاحیت دارد اختلافی وجود ندارد، اعتبار و کارکرد قرارها یا دستورهایی که از طرف دیوان داوری در جهت حفظ صلاحیت خود و منع مراجعه اصحاب دعوا به سایر مراجع صادر می شود محل بحث و اختلاف است.^۳ قرار منع طرح دعوا ممکن است از طرف دیوان داوری که در حال بررسی دعوا است صادر شود^۴ یا از طرف دادگاه مقرر دیوان داوری^۵ و به نفع رسیدگی داوری صادر شود. عملاً بر اساس ملاحظاتی، طرفین، یکی از این دو مرجع را برای درخواست صدور چنین قراری انتخاب می کنند.^۶

قرار عدم طرح دعوا از سوی دیوان داوری در موارد گوناگونی ممکن است صادر شود که مهم ترین آن زمانی است که یک طرف موافقت نامه داوری به ناحق در دادگاهی مبادرت به طرح دعوایی می کند که قاعدتاً در صلاحیت دیوان داوری است یا از قراین برمی آید که چنین قصدی دارد.^۷ دیوان داوری در تصمیم گیری در این مورد که آیا این طرح دعوای مجدد به ناحق است یا نه، معمولاً عوامل زیر را در نظر می گیرد:

۱- نوع و ماهیت شرط یا موافقت نامه داوری و دامنه آن.

^۱ . ILA Final Report on *lis pendens* and Arbitration , Para ۱۵

^۲ . Campbell *et al*, op.cit, pp. ۹۱-۹۲.

^۳ . Rahim Moloo, "Arbitrators Granting Antisuit Orders: When Should They and on What Authority?" *Journal of International Arbitration*, Volume ۲۶, Issue ۲, ۲۰۰۹, p ۶۷۶.

^۴ . که در این حالت معمولاً به آن Anti-Suit Order گفته می شود.

^۵ . که در این حالت معمولاً به آن Anti-Suit Injunction گفته می شود.

^۶ . Moloo, op.cit, pp. ۶۷۷-۶۷۸.

^۷ . Shookman, op.cit, p. ۳۶۵.

۲- قانون حاکم بر آیین داوری.

۳- نوع و ماهیت خواسته‌ای که طرف مقابل در مراجعه به دادگاه داشته است یا قرار است داشته باشد. مثلاً آیا مراجعه طرف مقابل به دادگاه برای بررسی ماهوی همان دعوایی است که باید در دیوان داوری مورد رسیدگی واقع شود یا این مراجعه صرفاً به خواسته صدور یک قرار به‌عنوان تدابیر ضمن دعوا^۱ از سوی دادگاه است که قاعداً در این حالت اخیر، قرار منع طرح دعوا نباید صادر شود.^۲

صرف‌نظر از اختلافاتی که در مبنای حقوقی صدور قرار منع طرح دعوا مطرح است، به نظر می‌رسد که ریشه اصلی اختیار داوران در صدور چنین دستوری در خود قرارداد داوری و جلوگیری از نقض آن قرارداد توسط یکی از طرفین نهفته است.^۳ رویه داوری در ایکسید، صدور دستور منع طرح دعوا را بر مبنای ماده ۲۶ معاهده^۴ توجیه می‌کند. از مهم‌ترین دعاوی که در آن دستور منع طرح دعوا صادر شده دعوای اس جی اس در برابر پاکستان است.^۵ صدور این دستور در دعاوی دیگر ایکسید نیز مشاهده می‌شود. در دیوان داوری دعاوی ایران- امریکا نیز قرار منع طرح دعوا با اشکال و مبانی گوناگون صادر شده است.^۷

^۱. Interim Measure

^۲. Mooloo, Rahim, op.cit, pp. ۶۸۲-۶۸۳.

برای دیدن اختیارات هم‌زمان و هم‌عرض دادگاه‌های دولتی و دیوان‌های داوری در اقدامات تأمینی و موقت و بررسی حالات گوناگون، ن.ک: نیکبخت، پیشین، صص. ۳۰۷-۳۰۵.

^۳. Mooloo, op.cit, pp. ۶۷۹-۶۸۱.

^۴. Consent of the parties to arbitration under this Convention shall unless otherwise stated, be deemed consent to such arbitration to the exclusion of any other remedy...

بر طبق این عهدنامه، رضایت طرفین به داوری باید به منزله رضایت به آن‌گونه داوری در نظر گرفته شود که شامل هیچ روش دیگر دادخواهی نیست مگر اینکه طور دیگری عنوان شود.

^۵. SGS Société Générale de Surveillance S.A. v. Islamic Republic of Pakistan, (ICSID Case No. ARB/۰۱/۰۱۳). Procedural order No. ۲, October ۱۶, ۲۰۰۲.

^۶. به‌عنوان نمونه:

Tokios Tokele's v, Ukraine, (ICSID Case No.ARB/۰۲/۱۸) Procedural order No.۱, July ۱, ۲۰۰۳, Paras ۷, ۱.

^۷. به‌عنوان نمونه:

Washington Electric Corp.v.Islamic Republic of Iran, Interlocutory Award No. ITL ۶۷-۳۸۹-۲, February ۱۵, ۱۹۸۷; Linen Fortinberry & Associates Inc. v. Islamic Republic of Iran, Interim Award No. ITM ۴۸-۱۰۵۱۳-۲, April ۱۰, ۱۹۸۵, Available at <[http:// www.iusct.org/lists-eng.html](http://www.iusct.org/lists-eng.html)>

۳-۴ راهکارهای قراردادی برای طرفین دعوا یا طرفین توافقنامه داوری

دسته‌ای از روش‌ها که برای جلوگیری و حل مسائل ناشی از رسیدگی‌های موازی ارائه می‌شوند کاملاً جنبه قراردادی دارد. بر این مبنا بندها و شروطی در موافقت‌نامه داوری به طرفین پیشنهاد می‌شود که تا اندازه‌ای اثرات منفی ناشی از رسیدگی‌های موازی را کاهش می‌دهد. این توافقات ممکن است قبل یا بعد از بروز اختلاف یا حتی بعد از انعقاد موافقت‌نامه داوری انجام شود. مهم‌ترین این تدابیر عبارت‌اند از:

- ۱- پیش‌بینی شروط و بندهای مربوط به ادغام دعوی^۱ در موافقت‌نامه داوری^۲.
- ۲- پیش‌بینی یک داور واحد یا دیوان‌های داوری واحد برای رسیدگی به دعاوی مرتبط یا یکسان.
- ۳- توافق طرفین موافقت‌نامه داوری بر عدم استماع مجدد موضوعی که قبلاً در یک دعوی دیگر - حتی دعوی‌ای که متفاوت از دعوی فعلی است - مورد رسیدگی قرار گرفته بود.^۳

۱. Consolidation and Joinder Clauses

^۲. خواهیم دید که ادغام دعوی با توافق طرفین، روشن‌ترین و اصلی‌ترین روش ادغام دعوی برای پایان‌دادن به رسیدگی‌های موازی است.

۲. Contractually Agreed Issue Estoppel

Collateral Estoppel یا Issue Estoppel یعنی: «اثر الزام‌آور یک تصمیم قضایی نسبت به مسائلی که در یک دعوا مورد دادرسی و تصمیم قرار گرفته است بر اختلافات بعدی طرفین دعوا که مشتمل بر ادعایی متفاوت با ادعای قبلی است یا نظریه‌ای که باعث می‌شود یک طرف، مسئله‌ای را که علیه او در دعوی قبلی مورد تصمیم واقع شده نتواند مجدداً مورد رسیدگی قرار دهد، حتی اگر دعوی دوم به‌طور قابل ملاحظه‌ای با اولی متفاوت باشد» تعریف فوق برگرفته از:

Garner, Bryan A., Black's Law Dictionary, Eighth Edition, Thomson, New York, ۲۰۰۴, p. ۲۷۹:

بین نظام حقوقی کامن‌لا و نظام حقوقی نوشته در مورد اینکه آیا تنها یافته نهایی رأی، اعتبار امر مختومه را دارد یا یافته‌های واسطه‌ای در مسیر دستیابی به رأی نهایی نیز با حصول شرایطی اعتبار امر مختومه را دارند اختلاف است. ن.ک:

Christer Soderlund, "Lis pendens, res judicata and the Issue of Parallel Judicial Proceedings", Journal of International Arbitration, Volume ۲۲, Issue ۴, ۲۰۰۵, pp. ۳۰۱-

۳۰۳

صرف‌نظر از این اختلاف، طرفین می‌توانند هر توافقی نمایند (با لحاظ قوانین آمره قانونی که حاکم بر دعواست) و بدین ترتیب با توافق بر عدم استماع مجدد موضوعی که قبلاً به نوعی مورد رسیدگی قرار گرفته است - ولو به‌طور فرعی - از مخاطرات رسیدگی‌های موازی جلوگیری کنند.

۴-۴. مقابله با رسیدگی های موازی از طریق ادغام دعاوی^۱

در سه حالت ممکن است ادغام دعاوی مشابه به عنوان راه حلی برای خاتمه دادن به رسیدگی های موازی طرح شود:

۱- ادغام دو روند داوری

۲- ادغام روند داوری با روند قضایی

۳- ادغام دو روند قضایی (داخلی)

از میان سه حالت فوق، حالت سوم مربوط به نظام آیین دادرسی داخلی کشورهاست که موضوع بحث ما نیست. در مورد ادغام روند داوری با روند قضایی می توان گفت که به علت سلب صلاحیت از دادگاه به علت موافقت نامه داوری، تعارض صلاحیت و رسیدگی موازی بین دادگاه و دیوان داوری قاعدتاً رخ نمی دهد.^۲ هر چند اظهار نظر درباره وجود و اعتبار موافقت نامه داوری مسئله ای است که دیوان داوری باید به آن رسیدگی کند (اصل صلاحیت بر صلاحیت) ولی در بسیاری از قوانین، مرجع نهایی در اختلاف دیوان داوری و دادگاه مقرر در اعتبار موافقت نامه داوری، دادگاه است.^۳ در صورت اختلاف دادگاه و دیوان داوری در مورد اعتبار توافق داوری، حداقل نوعی از بحث رسیدگی های موازی قابل طرح است^۴ که البته با آنچه ممکن است به ادغام دعاوی بینجامد متفاوت است. با این وصف، از میان سه حالت بیان شده تنها به ادغام دو روند داوری می پردازیم. در حالات زیر، دعاوی مرتبط^۵ در دو روند داوری ممکن است در هم ادغام شوند:

۱- رضایت اصحاب دعوا .

۲- پیش بینی ادغام دعاوی در مقررات داوری سازمانی.^۶

۳- تصمیم دادگاه مقرر داوری های موازی در حکم به ادغام دعاوی.

۴- پیش بینی ادغام دعاوی در معاهده سرمایه گذاری.^۱

^۱. Consolidation of Claims

^۲. ILA Final Report on "lis pendens and Arbitration" para ۴.۴.

^۳. ن.ک: ماده ۴۶۱ و بند ۷ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی ایران و نیز ماده ۸ و بند (ب) ماده ۳۳ از قانون داوری تجاری بین المللی ایران.

^۴. Ibid para ۴.۵.

^۵. لازم به توضیح است که این همانی یا یکسانی دعاوی برای تجویز حکم به ادغام دعاوی ضرورت ندارد، برخلاف تدابیر ضمن دادرسی های هم زمان یا *lis pendens* که در آن، یکسانی دعاوی لازم است: Yannaca-Small, op.cit, p.۱۰۳۲.

^۶. داوری بر حسب توافق طرفین دعوا می تواند «موردی» یا «سازمانی» باشد. ن.ک:

نیکبخت، پیشین، صص. ۸۵-۵۱.

رضایت اصحاب دعوا ممکن است در موافقت‌نامه داوری یا به هر شکل معتبر دیگر، قبل یا بعد از ارجاع اختلاف به داوری عنوان شود که در روش‌های قراردادی جلوگیری از رسیدگی‌های موازی بدان پرداختیم.

ممکن است در مقررات داوری سازمانی، ادغام دعاوی مرتبط پیش‌بینی شده باشد. در این حالت، سازمانی که داوری تحت نظر آن انجام می‌شود یا دیوان داوری که آن سازمان تعیین کرده است می‌تواند دستور ادغام دعاوی را بدهد.^۲ بند ۶ از ماده ۴ مقررات داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی^۳ حاوی چنین مقرره‌ای در ادغام است. به نظر می‌رسد که ریشه تجویز این نوع از ادغام را نیز باید در رضایت طرفین به ادغام – که در پذیرش مقررات سازمانی و من‌جمله مقررات ادغام آن نهفته است – جست.

در قانون نمونه داوری آنسیترال^۴ و نظام داوری امکان اضافی ایکسید،^۵ مقرره‌ای برای ادغام دعاوی وجود ندارد. اگر مقرره‌ای برای ادغام دعاوی مشابه در نظام داوری سازمانی وجود نداشته باشد، طرفین می‌توانند با تعیین داورها یا دیوان‌های داوری مشابه تا اندازه‌ای مشکل را حل کنند.^۶

علاوه بر دو حالت فوق‌الذکر، ادغام داوری‌های موازی می‌تواند با دستور و ابتکار عمل دادگاه مقرر انجام شود. رویه کشورهای گوناگون و حتی رویه یک کشور در زمان‌های متفاوت در اینکه در چنین ادغامی آیا نیاز به رضایت همه اطراف دعوا وجود دارد یا نه، متغیر و متفاوت است.^۷ این روش در ادغام داوری‌های تجاری بین‌المللی شایع‌تر از داوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی است.^۸

^۱. Bernard Hanotiau, "Problems Raised by Complex Arbitrations Involving Multiple Contracts-Parties-Issues", An Analysis, *Journal of International Arbitration*, Volume ۱۸, Issue ۳, ۲۰۰۱, p. ۳۳۰; Mc Lachlan *et al*, op.cit, p.۱۲۵.

^۲. Hanotiau, op.cit.

^۳. The International Chamber of commerce Rules of Arbitration (۱۹۹۸).

^۴. The UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration (۱۹۸۵).

^۵. International Center for Settlement of Investment Disputes Additional Facilities Rules, ۱۹۷۸.

^۶. *Sempra Energy International v. Argentine Republic* (ICSID Case No ARB/۰۲/۱۶) Decision on Objection to Jurisdiction on ۱۱ May ۲۰۰۵; *Camuzi International SA v. Argentine Republic* (ICSID Case No ARB/۰۳/۲), Decision on Objection to Jurisdiction, ۱۱ May ۲۰۰۵.

^۷. Hanotiau, op.cit, p. ۳۳۳-۳۳۴.

^۸. Yannaca-Small, op.cit, p.۱۰۳۶.

شایع ترین روش ادغام در دعاوی سرمایه گذاری، پیش‌بینی نظام ادغام در معاهده سرمایه گذاری است. نیاز به ادغام در دعاوی سرمایه گذاری معمولاً زمانی ظاهر می‌شود که دو یا چند دعوا از عمل واحد و احتمالاً نامشروع دولت سرچشمه می‌گیرد که موجب ورود خسارات متعدد به سرمایه‌گذار می‌شود.^۱ کامل‌ترین مقرر در این خصوص در ماده ۱۱۲۶ توافقنامه تجارت آزاد امریکای شمالی (نفتا)^۲ آمده است.^۳ معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری نیز بعضاً مقرراتی برای ادغام دعاوی پیش‌بینی نموده‌اند.^۴

۴-۵. مقابله با نتایج نامطلوب رسیدگی های موازی در مرحله اجرا

داورها و سازمان‌های داوری به تنهایی وسیله‌ای برای اجرا یا تضمین اجرای رأی ندارند. بنابراین اگر طرفین به‌طور اختیاری رأی داور را اجرا نکنند تنها راه موجود برای محکوم‌له رأی داوری این است که به قدرت دولت متوسل شود و آن هم از طریق دادگاه‌های ملی است. به همین صورت، محکوم‌علیه نیز برای مقاومت در برابر اجرا باید به دادگاه‌های ملی متوسل شود.^۵ چگونگی مقابله با نتایج نامطلوب آرای متفاوت و متناقضی که ناشی از رسیدگی‌های موازی است در مرحله اجرای رأی، اهمیت ویژه‌ای دارد. سؤال اصلی این است که با فرض صدور آرای متفاوت یا متناقض در دعاوی مرتبط یا واحد آیا می‌توان برای حل این مشکل در مرحله اجرای رأی در کشور صادرکننده یا در کشور خارجی که

^۱. Ibid, p. ۱۰۳۳.

^۲. North American Free Trade Agreement (NAFTA) (signed ۱۹۹۲, entered into force ۱۹۹۴).

^۳. هنوز زود است که در این خصوص سخن از شکل‌گیری رویه‌ای واحد به میان آید اما آرای به چشم می‌خورد که قابل توجه است. مثلاً در دو دعوی گوناگون، با توجه به این مقررات در یکی حکم به ادغام دعاوی داده شده و در دیگری حکم به ادغام داده نشده است. دعوایی که در آن حکم به ادغام داده شده: Canfor Corp v. United States of America, Tembec et al v United States of America, Terminal Forest Products Ltd v. United States of America (Consolidation), UNCITRAL (NAFTA, ۲۰۰۵)

دعوایی که حکم به ادغام داده نشده:

Corn Products International Inc v United Mexican States (ICSID Case No ARB (AF)/۰۴/۱), Award ۱۸ August ۲۰۰۹, and Archer Daniels Midland w and Tate & Lyle Ingredients Americas Inc v United Mexican States (ICSID Case No ARB (AF)/۰۴/۵) (Consolidation) (NAFTA/ ICSID (AF), Award ۲۱ November, ۲۰۰۷).

^۴. به‌عنوان نمونه:

Art ۳۳ of the US Model BIT (۲۰۰۴)

^۵. نیکبخت، حمیدرضا، شناسایی و اجرای آراء داوری های تجاری بین المللی در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵، ص. ۸.

اجرا در آن خواسته شده است، نوعی روش پسینی داشت؟

الف. نظام ایکسید

شکایت یا مقابله با رأی در نظام ایکسید از طریق روند ابطال^۱ رأی امکان پذیر است. ابطال رأی با تجدیدنظر،^۲ دو تفاوت اساسی دارد: تفاوت اول این است که نتیجه فرآیند ابطال، تنها نقض یا ابرام رأی است و نتیجه فرآیند تجدیدنظر، اصلاح رأی است. تفاوت دوم این است که نظام ابطال در ایکسید، تنها ناظر به مشروعیت روند صدور رأی است و ناظر به سنجش صحت ماهوی رأی نیست.^۳ اظهار نظر کنندگان در نظام ایکسید، متفق القول اند که ماده (۱) ۵۲ از مقررات ایکسید مجوز ابطال رأی بر اساس «اشتباهات حکمی یا موضوعی»^۴ نیست و در این عدم جواز، تفاوتی نمی کند که این اشتباه حکمی یا موضوعی چقدر بزرگ باشد.^۵ بنابراین به نظر می رسد که در نظام داوری ایکسید هم، نهایی و قطعی بودن رأی بر صحت و دقت آن ترجیح دارد. با این ترتیب، احتمال صدور آرای متفاوت در این نظام، یک واقعیت پذیرفته شده است. کشورهای عضو نیز متعهد هستند بدون هیچ گونه تجدیدنظر یا نظارت قضایی (غیر از موارد بسیار محدود) آرای دیوان های داوری ایکسید را به اجرا بگذارند.^۷

ب. سایر نظام های داوری

مقابله با نتایج نامطلوب رسیدگی های موازی پس از صدور آرای متفاوت داوری خارج از نظام ایکسید، قاعدتاً از مجرای دادگاه های محلی و از دو طریق صورت می گیرد:

۱- ابطال رأی به وسیله دادگاه های کشوری که مقرر داوری در آن کشور قرار دارد.^۸

۲- جلوگیری از اجرای رأی به وسیله دادگاه هایی که خارج از کشور محل صدور است و

^۱. Annulment Process

^۲. Appeal

^۳. Christoph Schreuer, Loretta Malintoppi, August Reinisch, Anthony Sinclair, The ICSID Convention A Commentary, Second Edition, Cambridge University Press, Cambridge, ۲۰۰۹, pp. ۹۰۱-۹۰۲.

^۴. Errors of fact or Law

^۵. Schreuer *et al*, op. cit, p. ۹۰۲.

^۶. *ibid* p ۹۰۳.

^۷. Article ۵۴ of ICSID convention

^۸. Vacation of Award at the Seat of Arbitration

اجرای رأی از آن خواسته می‌شود.^۱

(۱) ابطال رأی به وسیله دادگاه مقر داوری

قوانین داخلی کشورها در اعطای مجوز ابطال یا حداقل نظارت بر آرای داوری داخلی به دادگاه‌ها به این سمت در حرکت است که زمینه‌های ابطال و نظارت بر آرای داوری را محدود نمایند و به طرفین، نوعی آزادی در محدود کردن یا حتی حذف کردن نظارت قضایی بر رأی در محل صدور اعطا کنند.^۲ با وجود این، قانون داخلی کشورها در این زمینه متفاوت است:^۳

در یک طرف، طیف کشورهایی هستند که اجازه می‌دهند رأی داور از حیث مسائل حکمی و ماهوی و شکلی مورد نظارت قضایی واقع شود؛ کشورهای همانند کره جنوبی، اندونزی، عربستان سعودی.^۴ در این طیف در برخی موارد حتی به دادگاه‌ها اجازه داده می‌شود که رأی داوری به علت استدلال‌های متناقض در آن ابطال شود. در این مورد گرچه منظور از استدلال‌های متناقض، استدلال‌های متناقض در یک رأی است اما ممکن است بتوان با تفسیر موسع، استدلال‌های متناقض در چند رأی را که در روند رسیدگی‌های موازی پدید آمده‌اند نیز مشمول این حکم دانست.^۵ به نظر می‌رسد که پذیرش تفسیر اخیر دشوار باشد؛ ضمن اینکه صدور آرای متعارض داوری در مسئله واحد و بین چند دیوان داوری بیش از اینکه معلول استدلال‌های متعارض باشد، معلول اختلاف نظرهای معمول حقوقی بین صاحب نظران است. با این تفسیر، پذیرش هر کدام از نظریات رقیب در حل اختلاف از سوی دیوان داوری، قاعداً حقوق اصحاب دعوا را به

^۱. Frank, op. cit, p. ۱۵۵۰.

^۲. Schreuer et al, op. cit, p. ۹۰۰.

^۳. از آنجاکه معاهدات سرمایه‌گذاری، معمولاً محل داوری را تعیین نمی‌نمایند این امکان برای طرفین دعوا وجود دارد که محل داوری را با توجه به ملاحظاتی که قانون محل برای نظارت بر رأی و احتمالاً مقابله با آرای متعارض دارد تعیین کنند.

^۴. به نظر می‌رسد که نظام داوری در قانون آیین دادرسی مدنی ایران که می‌توان آن را داوری داخلی نامید با این نظر قابل تطبیق است. ماده ۴۸۲ این قانون، داور را الزام می‌کند که رأی مخالف قوانین موجد حق صادر نکند و بند ۱ ماده ۴۸۹ همین قانون، ضمانت اجرای تخلف از این دستور را بطلان رأی داور می‌داند. بدین ترتیب دادگاه باید علاوه بر مسایل شکلی، بر صحت ماهوی رأی داور نیز نظارت کند. اما در قانون داوری تجاری بین المللی ایران، وضع به گونه‌ای دیگر است: در این قانون، سخنی از وظیفه دادگاه در لزوم احراز مطابقت رأی داور با قوانین موجد حق نیست و از موارد ابطال یا بطلان رأی داور در مواد ۳۳ و ۳۴ نیز همین نظر قابل استفاده است.

^۵. Frank, op.cit, p. ۱۵۵۳.

اندازه‌ای به خطر نمی‌اندازد که مجوزی برای ابطال رأی داور از سوی دادگاه باشد. در طرف دیگر طیف، کشورهایی هستند که تنها نظارت محدودی را برای حفظ تمامیت و انسجام روند شکلی رسیدگی داور از خلال نظارت قضایی دادگاه‌های محل داور اجازت می‌دهند؛ کشورهایی همانند سوئیس، فرانسه و آفریقای جنوبی.^۱ به نظر می‌رسد در این قبیل کشورها هم تعارض آرای صادره به‌تنهایی نمی‌تواند علتی برای ابطال رأی داور باشد.

قوانین مدل و مقررات داور سازمانی نیز حتی‌المقدور زمینه‌های نظارت قضایی بر رأی داور را محدود نموده‌اند. قانون نمونه داور آنسیترال در داور تجاری بین‌المللی، زمینه‌های محدودی برای کنارگذاشتن رأی داور تجاری بین‌المللی توسط دادگاه‌ها پیش‌بینی نموده است.^۲ مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی نیز بیان می‌کند که آرای داور باید برای طرفین الزام‌آور باشد و طرفین با ارجاع امر به داور، تحت این مقررات متعهد می‌شوند که هر رأیی را بدون تأخیر و به‌سرعت اجرا کنند و حق هرگونه اقدامی را که با اجرای رأی ناسازگار باشد از خود ساقط می‌کنند.^۳

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که نظام ابطال رأی، تأثیر قابل‌توجهی در جلوگیری از اثرات مخرب رسیدگی‌های موازی در مرحله اجرا ندارد. در عمل، اصل اعتبار امر مختومه که پیش‌تر بدان پرداخته شد ممکن است به‌عنوان اصل کلی حقوقی به کمک دادگاه‌ها بیاید تا بی‌اعتباری رأی مؤخر را اعلام نماید.

۲) موانع شناسایی و اجرای رأی داور در خارج از محل صدور

عهدنامه‌های نیویورک و پاناما^۴ در موانع شناسایی یا اجرای آرای داور خارجی مقررات تقریباً یکسانی دارند. این مقررات به قوانین داخلی کشورها هم نفوذ کرده و ساختار حقوقی تقریباً یکسانی در این باب ایجاد شده است. براساس عهدنامه نیویورک، آرا نمی‌توانند در محل اجرا ابطال یا مورد تجدیدنظرخواهی

^۱. Ibid, pp. ۱۵۵۱-۲.

^۲. Setting Aside

^۳. Articles ۳۴ & ۳۶ UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration ۱۹۸۵.

^۴. Article ۲۸ (۶) of ICC Rules.

^۵. The Inter-American Convention on International Commercial Arbitration, ۱۹۷۵ (also known as the Panama Convention).

واقع شوند.^۱ عهدنامه نیویورک، زمینه‌های محدودی را عنوان نموده که بر آن اساس به موجب تقاضای یک طرف، شناسایی یا اجرای رأی در کشوری که درخواست اجرا شده است انجام نشود. هیچ‌یک از موارد فوق، مجوز عدم شناسایی یا اجرا به علت اشتباه حکمی یا ماهوی در رأی یا تعارض رأی با سایر آرا را به نظام قضایی نمی‌دهد. با وجود این، تفسیر موسع عهدنامه، توسط کشور محل اجرا به گونه‌ای که گویا مسائل ماهوی رأی باید مورد بررسی مجدد قرار گیرد، غیرممکن نیست.^۲

اگرچه نظام شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی به علت محدودبودن موارد منع شناسایی و اجرا، اصولاً نمی‌تواند تأثیرات منفی ناشی از آرای متفاوت و متناقض را در مرحله اجرا خنثی کند اما با نگاهی به زمینه‌های تجویز عدم شناسایی و اجرای رأی در بندهای (الف) و خصوصاً (ج) از ماده پنج عهدنامه نیویورک می‌توان قسمتی از مشکل را حل نمود. بر اساس این بندها چنانچه رأی صادره خارج از محدوده‌ای باشد که طرفین در ارجاع آن به داوری توافق داشته‌اند یا موافقت‌نامه داوری بی‌اعتبار باشد، مجوزی برای عدم شناسایی یا اجرا به درخواست یک طرف به وجود می‌آید. بنابراین اگر در میان مراجعی که آرای متناقض و متفاوت صادر نموده‌اند برخی از آن‌ها بنا به علل یادشده صلاحیت نداشته باشند، در مرحله اجرا و شناسایی، آن آرا شناسایی و اجرا نشده و بدین ترتیب اگرچه مشکل اتلاف انرژی و هزینه و زمان رفع نمی‌شود اما حداقل در آخرین مرحله، مشکل ناشی از اجرای آرای متناقض تا اندازه‌ای مرتفع خواهد شد. شاید به همین علت است که دسته‌ای از مؤلفان معتقدند که توان و قدرت دادگاه‌ها در عدم اجرای آرای داوری خارجی می‌تواند قسمتی از معضلات رسیدگی های موازی و آرای متعارض را حل کند.^۴

^۱. Frank, op. cit, p. ۱۵۵۵.

^۲. Article v of the New York convention (۱۹۵۸).

برای توضیح این موارد، ن.ک:

نیکبخت، شناسایی و اجرای آراء داوری های تجاری بین المللی در ایران، پیشین، صص. ۹۶-۵۵.

^۳. Frank, op.cit.

^۴. Gabrielle Kaufmann-Kohler, "How to Handle Parallel Proceedings: A Practical Approach to Issues such as Competence-Competence and Anti-Suit Injunctions", in: Emmanuel Gaillard, *Anti-Suit Injunctions in International Arbitration*, Juris Publishing, Inc. and International Arbitration Institute (IAI), New York, ۲۰۰۵, p. ۱۱۱.

نتیجه

رسیدگی‌های موازی در دعاوی سرمایه‌گذاری بین‌المللی علی‌رغم به‌بارآوردن آثار مخرب برای طرفین دعا و نظام داوری، در بسیاری از موارد به علت ساختار خاص نظام داوری سرمایه‌گذاری و تعدد اجتناب‌ناپذیر مراجع رسیدگی، واقعیتی پذیرفته شده است. رسیدگی‌های موازی و تعدد مراجع رسیدگی در عین حال که تهدیدی برای منافع دولت سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذار خارجی است می‌تواند با مدیریت صحیح اصحاب دعا تبدیل به یک فرصت شود. راهکارهای گوناگونی برای مدیریت صحیح رسیدگی‌های موازی در این نوشتار پیشنهاد شده که می‌تواند حسب مورد، توسط دولت سرمایه‌پذیر یا سرمایه‌گذار مورد استفاده قرار گیرد. دسته‌ای از این راهکارها به‌نوعی مرتبط با توافقات طرفین در موافقت‌نامه داوری یا پس از آن است. برخی دیگر از این راهکارها هم مبتنی بر استفاده اصحاب دعا از ظرفیت دیوان‌های داوری و اختیارات آن‌ها برای هدایت جریان رسیدگی‌های موازی است. با توجه به روند روبه‌رشد انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری بین ایران و سایر کشورها و نیز نیاز کشور به جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های ایرانی در خارج از کشور، پیش‌بینی می‌شود که در آینده نزدیک شاهد کاربرد بیشتر مباحث مربوط به رسیدگی‌های موازی در دعاوی سرمایه‌گذاری بین‌المللی مرتبط با ایران باشیم.

منابع:

الف - فارسی

- نیکبخت، حمیدرضا، **داوری تجاری بین المللی**، "آیین داورى"، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

- _____، **شناسایی و اجرای آراء داورى های تجارى بین‌المللى در ایران**، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵.

ب - انگلیسی:

Books:

- Rudolf Dolzer, & Christoph Schreuer, **Principles of International Investment Law**, Oxford University Press, Oxford, ۲۰۰۸.

- James J.Fawcett, **Oxford Monographs in Private International Law**, Declining Jurisdiction in Private International Law, Oxford University Press, Oxford, ۱۹۹۵.

- Emmanuel Gaillard, **Anti-Suit Injunctions in International Arbitration**, Juris Publishing, Inc. and International Arbitration Institute (IAI), New York, ۲۰۰۵.

- Bryan A. Garner, **Black's Law Dictionary**, Eighth Edition, Thomson, New York, ۲۰۰۴.

- Campbell McLachlan, Lauerce Shore, & Matthew Weiniger, **International Investment Arbitration: Substantive Principles**, Oxford University Press, Oxford, ۲۰۰۸.

- Peter Muchlinski, Federico Ortino, & Christoph Schreuer, **The Oxford Hand book of International Investment Law**, Oxford University Press, Oxford, ۲۰۰۸.

- Lucy Reed, Jon Paulson, & Nigel Blakaby, , **Guide to ICSID Arbitration**, Kluwer Law International, Hague, ۲۰۰۶.

- Christoph Schreuer, Loretta Malintoppi, August Reinisch, & Anthony Sinclair, **The ICSID Convention A Commentary**, Second Edition, Cambridge University Press, Cambridge, ۲۰۰۹.

-United Nations Conference on Trade and Development, State Contracts, UNCTAD Series on Issues in International Investment Agreements, United Nations Publication, New York and Geneva, ۲۰۰۴.

Articles:

- Gilles Cuniberti, "**Parallel Litigation and Foreign Investment Dispute Settlement**", *ICSID Review*, Volume ۲۱, Issue ۲, ۲۰۰۶.
- Susan D. Frank, "**The Legitimacy Crisis in Investment Treaty Arbitration: Privatizing Public International Law Through Inconsistent Decisions**", *Fordham Law Review*, Volume ۷۳, Issue ۴, ۲۰۰۵.
- Bernard Hanotiau, "**Problems Raised by Complex Arbitrations Involving Multiple Contracts-Parties-Issues, an Analysis**", *Journal of International Arbitration*, Volume ۱۸, Issue ۳, ۲۰۰۱.
- A.F.M.Maniruzzaman, "**The Relevance of Public International Law in Arbitrations Concerning International Economic Development Agreements An Appraisal of Some Fundamental Aspects**", *The Journal of World Investment & Trade*, Volume ۶, Issue ۲, ۲۰۰۵
- Rahim Moloo, "**Arbitrators Granting Antisuit Orders: When Should They and on What Authority?** ", *Journal of International Arbitration*, Volume ۲۶, Issue ۲, ۲۰۰۹.
- Margret Moses, "**Party Agreement to Expand Judicial Review of Arbitral Awards**", *Journal of International Arbitration*, Volume ۲۰, Issue ۳, ۲۰۰۳.
- Alexis Mourre, & Lucag Radicati Di Brozolo, "**Towards Finality of Arbitral Awards: Two Steps Forward and one Step Back**", *Journal of International Arbitration*, Volume ۳۲, Issue ۲, ۲۰۰۶.
- Marvin G.Pickholz, "**The Expanding World of Parallel**

Proceedings", *Temple Law Quarterly*, volume ۵۳, Issue ۴, ۱۹۸۰.

- David R.Sedlak, "**ICSID'S Resurgence in International Investment Arbitration: Can the Momentum hold**", *Penn State International Law Review*, Volume ۲۳, Issue ۱, ۲۰۰۴.

- Jamie Shookman, "**Too many Forums for Investment Disputes? ICSID Illustration of Parallel Proceedings and Analysis**", *Journal of International Arbitration*, volume ۲۷, Issue ۴, ۲۰۱۰.

- Christer Soderlund, "**Lis pendens, res judicata and the Issue of Parallel Judicial Proceedings**", *Journal of International Arbitration*, Volume ۲۲, Issue ۴, ۲۰۰۵.

- Jeswald W.Solacuse, "**BIT by BIT**", *International Lawyer (ABA)*, Volume ۲۴, Issue ۳, ۱۹۹۰.

- Louise Ellen- Teitz, "**Both Sides of The Coin: A Decade of Parallel Proceedings and Enforcement of Foreign Judgments in Transnational Litigation**", *Roger Williams University Law Review*, volume ۱۰, Issue ۱, ۲۰۰۴.

-Sarosh Zaiwalla, "**Challenging Arbitral Awards: Finality is Good but Justice is Better**", *Journal of International Arbitration*, Volume ۲۰, Issue ۲, ۲۰۰۳.

Sentences:

-Camuzi International SA v. Argentine Republic (ICSID Case No ARB/۰۳/۲), Decision on Objection to Jurisdiction, ۱۱ May ۲۰۰۵.

-Canfor Corp v. United States of America, Tembec et al v United States of America, Terminal Forest Products Ltd v. United States of America (Consolidation), UNCITRAL (NAFTA, ۲۰۰۵).

-CME Czech Republic B.V. v. Czech Republic, UNCITRAL, Final Award on ۱۴ March, ۲۰۰۳.

-
- Compania de Aguas del Aconquija S.A. and Vivendi Universal v. Argentine Republic, (ICSID Case No.ARB/۹۷/۳), Decision on Annulment ۳ July ۲۰۰۲.
 - Corn Products International Inc. v United Mexican States (ICSID Case No ARB (AF)/۰۴/۱), Award ۱۸ August ۲۰۰۹, and Archer Daniels Midland w and Tate & Lyle Ingredients Americas Inc. v. United Mexican States (ICSID Case No ARB (AF)/۰۴/۵) (Consolidation) (NAFTA/ ICSID (AF), Award ۲۱ November, ۲۰۰۷.
 - Lauder v. Czech Republic, UNCITRAL, Final Award on ۳ September ۲۰۰۱.
 - Linen Fortinberry & Associates Inc. v. Islamic Republic of Iran, Interim Award No. ITM ۴۸-۱۰۵۱۳-۲, April ۱۰, ۱۹۸۵.
 - Salini Construttori S.P.A and Italstrade S.P.A. v. Kingdom of Morocco, (ICSID case No. ARB/۰۰/۴), Decision on Jurisdiction, July ۲۳, ۲۰۰۱.
 - Sempra Energy International v. Argentine Republic (ICSID Case No ARB/۰۲/۱۶) Decision on Objection to Jurisdiction on ۱۱ May ۲۰۰۵.
 - SGS Société Générale de Surveillance S.A. v. Islamic Republic of Pakistan, (ICSID Case No. ARB/۰۱/۰۱۳).Procedural order No. ۲, October ۱۶, ۲۰۰۲.
 - SGS Société Générale de Surveillance S.A. v. Republic of the Philippines, (ICSID Case No. ARB/۰۲/۶) Decision on Jurisdiction, ۲۹ January ۲۰۰۴.
 - Tokios Tokele's v, Ukraine, (ICSID Case No.ARB/۰۲/۱۸) Procedural order No.۱, July ۱, ۲۰۰۳.
 - Washington Electric Corp.v.Islamic Republic of Iran, Interlocutory Award No. ITL ۶۷-۳۸۹-۲, February ۱۵, ۱۹۸۷
 - Italy-Morocco BIT (۱۹۸۸).

-
- Switzerland-Pakistan BIT (۱۹۸۸).
 - US Model BIT (۲۰۰۴).

Treaties:

- Convention on the Settlement of Investment Disputes between States and Nationals of other States (Adopted ۱۹۶۵ , Entered into Force ۱۹۶۶).
- North American Free Trade Agreement (NAFTA) (signed ۱۹۹۲, entered into force ۱۹۹۴)
- The Inter-American Convention on International Commercial Arbitration, ۱۹۷۵ (also known as the Panama Convention).
- United Nations Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (۱۹۵۸) or New York Convention.

Acts:

- International Center for Settlement of Investment Disputes Additional Facilities Rules, ۱۹۷۸.
- International Centre for Settlement of Investment Disputes Rules of Procedure for Arbitration Proceedings (Arbitration Rules), ۲۰۰۶.
- International Chamber of Commerce Rules of Arbitration, ۱۹۹۸.
- The United Nations Commission on International Trade Law Model Law on International Commercial Arbitration, ۱۹۸۵ with Amendments as Adopted in ۲۰۰۶.

Report:

- International Law Association Final Report on "lis pendens and Arbitration".